

اصلاحات قانون اساسی در کدام سو؟

برکناری آیت الله منتظری، تعجیل در اصلاح فوری قانون اساسی و زمینہ سازی بسرایی رئیس جمهور شدن رفسنجانی رویدادهای است مشخصا همیونند با یکدیگر در مجموع خود سمیت تحولی را که رژیم ولایت فقیه به سرکردگی رفسنجانی عیان می سازد. اکنون دیگر با قاطعیت می توان گفت که تمام رزیا بی ها و پیش بینی های نیروهای ترقی خواه ایران در باره رفسنجانی آشکارا در رژیم ولایت فقیه با واقفیت زندگی معا صریه تدریج دار رفسنجانی خفا نیت خود را به اثبات می رسانند. برکناری منتظری، ملاحظاتی اساسی و کاندیداتوری رفسنجانی به چه معنا است؟ شواهد نشان می دهند که علاوه بر جنگ قدرت و تضاد دیدگاه ها، فلاکت و درما ندگی همه سران رژیم در تثبیت مکتب نسیم هداایت رژیم ولایت فقیه، مکتب نسیمی که قدرت جایگزینی یک فقیه به جای دیگری و حفظ ثبات سیاسی نظام را در باره خود، موجب اوج گیری دورتازهای ارتلانی ها بسرایی اصلاحات در رژیم ولایت فقیه شده است. بسینیم کدام مسائل سران حکومت را به بازنگری در ساختار رژیم می گزیند تا بسینیم کرده اند، مجبور کرده است:

اولا - از قبل هم پیدا بود که مروجان تر شده که ولایت فقیه به آن صورت که در قانون اساسی تصریح و در عمل پیاده شده است، حداکثر فقط تا وقتی خمینی زنده است، قابل پیاده کردن نبوده است. سران حکومت، "مرجع تقلید" یا "امام ویا حتی آیت الله العظمی" دیگری ندارند و نمی توانند در شنبه ها شنبه ها شنبه های از خمینی بازهم بتوانند او را هم مثل خمینی ما ورا قانون تکرار دهند و همه اختیارات حکومتی را در دستش متمرکز سازند. رفسنجانی و خاندانهای دیگر مسئولان حکومتی با بررسی امکانات موجود، قبلا به این نتیجه رسیده بودند که بیگانه شدن آن است که منتظری مطیع آنها و سپس جانشین خمینی شود. اما این شیر نسیز اکنون به سنگ خورده است.

ثانیا - در چنین رژیمی اگر ولی فقیه نتواند همه امور را تحت کنترل بگیرد، به علت وجود نهاد های متعدد و مکرر تصمیم گیری، آشفتگی بی حد کارها و درگیری نهادها با یکدیگر گریزنا پذیر خواهد بود. در حکومتی که یک رئیس جمهور همه کاره، یک رئیس مجلس همه کاره و یک رهبر همه کاره داشته باشد (تا زنده نگذارد)، رئیس دولت هم همه کاره خواهد شد. نمی توان در جنگ قدرت فروکش کند و جدال برای این که تکلیف همدیگر را روشن کنند، دائمی نباشد.

ثالثا - نارضایتی مردم و افشاکری مستمر نیروهای سیاسی در زمینه توضیح ماهیت رژیم و کارنامه میسای ده ساله حکومت، آشفتگی بی حد اوضاع اقتصادی و نیز بی اعتباری مفرط رژیم خمینی در همه کشورها موجب می شود که سران رژیم برای تمرکز نیروی خود، برای مقابله با وضعیت که رژیمشان بدان گرفتار آمده و نیز مقابله با میسای حوادثی که در آینده با منگیاران می شود، به چاره جویی برخیزند و تغییرات لازم در ساختار، ترکیب و شیوه اعمال قدرت را در دستور قرار دهند.

تاما فضای حاکم بر رژیم و تصمیمات سران آن در نامه های ۱۶۶ نفر از نمایندگان مجلس و نیز نامه دیگری که از جانب شورای عالی قضایی خطاب به خمینی انتشار یافته منعکس است. در این نامه که به دستور مستقیم خمینی و رفسنجانی با شتابزدگی نوشته شده است و نگرانی عمیق آنان و وعده اعتماد بی حدشان به بدنه حکومتی که بر آن سوار شده اند، کاملاً پدیدار است. جالب توجه است که در آغاز انقلاب شیوه تدوین و تصویب و نیز مضمون قانون اساسی تا حد معینی تحت تاثیر فضای انقلاب قرار داشت. انقلاب مجلس موسسان را می خواست و خمینی برای گریز از آن خواسته، و عموماً از آن مجبور شد. مجلس خبرگان را علم کنند. اما امروز برخلاف سابق خمینی و رفسنجانی از ترس خارج شدن کنترل اوضاع از دست خود، حتی از خبرگان هم میبایست کند. این بسیار می خواهد یک کمیسیون را مسئول تهیه اصلاحات و متمم قانون اساسی کنند، تا هر چه آن دومی گویند همان نوشته شود. سپس در یک مسخره بازی به تمام رفراندوم که نتیجه آن از قبل حتی برای ابله ترین بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

ص ۲

برکناری منتظری، جلوه ای از فروپاشی رژیم ولایت فقیه

برکناری منتظری را با بدتر شدن رپراهمیت ترین رویدادهای دوران حکومت ده ساله خمینی محسوب داشت. آنچه که اتفاق افتاد، محصول یک رشته کشاکش های است که در طول زمان عمیق و وسعت پیدا کردند. اکنون با اطمینان تمام می توان گفت که با برکناری منتظری، کورسویی هم که برای رهبری آینده حکومت به سبب ولایت خمینی باقی مانده بود، مسدود شده است. خمینی در حیاتش به همگان نشان داد که آینده رژیم را خسته و برداخته و را نصیبی جزین بست نیست.

از ۱۵ خرداد سال ۴۲ که پیروان خمینی در کشور برآمدند تا این سیاسی پیدا کردند، آیت الله منتظری از معتبرترین چهره های این جنبش بود. تا آنجا که خمینی او را پاره تن خود می نامید. پیروی خالصانه و مخلصانه منتظری از خمینی و مقامی که در میان پیروان خمینی داشت، علل تعیین کننده ای بودند تا منتظری به عنوان قائم مقام رهبری و جانشین خمینی اعلام شود. اما علیرغم این انتخاب، موضوع جانشینی خمینی عرضه حاد جنگ قدرت میان جناح های حاکم باقی ماند.

منتظری زیر تاثیر شریک رشته عوامل برکنار شد. از جمله با بدتر شدن اختلافات و میانه گیری منتظری با جریان مسلط در هیأت حاکمه بر سر

بقیه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

ص ۴

جنبش کارگری ایران در سال ۱۳۶۷

ص ۵

شعارها و فراخوانهای روز کارگر

ص ۱۲

به یاد رزم آوران سنگ خونین کار

ص ۶

شرکت هیأت نمایندگی سازمان

در کنگره ح.ک. ایتالیا

در هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا بیش از ۱۰۰۰ نماینده از سران شرکت داشتند. به دعوت حزب کمونیست ایتالیا بیش از یکصد هیئت نمایندگی از حدود ۷۰ کشور، به عنوان میهمان در کنگره حضور یافته بودند. از کشورهای ایران، از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران دعوت به عمل آمده بود. در پاسخ به این دعوت، از سوی سازمان رفیق فرخ نگهدار در کنگره شرکت داشت. علاوه بر این از تمام احزاب سیاسی رسمی ایتالیا نیز دعوت به عمل آمده بود. تقریباً تمام رهبران احزاب حاکم و غیر حاکم، یعنی تمام رجال سیاسی میهمان ایتالیا در کنگره شرکت داشتند. علاوه بر این از سایر احزاب و انجمن های و نیز چندین همزاد نفر از اعضا و دوستداران حزب به عنوان میهمان در تالار حضور داشتند. کنگره در کاخ ورزش های بزرگ رم برگزار شد. جریان کنگره رویدادهای حاشیهای آن، تحلیل ها و ارزیابی های گوناگون و بازتاب مسائل کنگره در ایتالیا و جهان، همه روزها زکاتال ۳ تلویزیون سراسری ایتالیا گه بقیه در صفحه ۹

به یاد رفیق جزینی و همزمان

ص ۱۰

مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

آ.یاکوف دیور ح.ک.ا.ش ص ۷

یادنامه رفقای شهید علیرضا کیانی و سبلا درویش

ص ۱۲

نامیبیا در راه دشوار استقلال

ص ۱۱

شکست نوظنه اشغال جلال آباد

ص ۱۱

ناآرامی در گرجستان شوروی

ص ۸

دیدار سران شوروی و بیتانیا

ص ۱۱

ارکان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

هم‌میهنان عزیز! ملاحظه بفرمایید که در این روزها...

برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی، از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اعلام شد...

این اقدام، نتیجه مستقیم تلاش‌های مردمی و مبارزان فدایی برای برکناری منتظری است...

در این راستا، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اعلامیه‌ای صادر کرد...

تلاش‌های ما برای برکناری منتظری ادامه خواهد داشت...

سازمان فدائیان خلق ایران و نیروهای مردمی خود را متعهد می‌داند...

این اقدام، نشانه‌ای از مبارزه دائمی ما برای برکناری منتظری است...

رژیم دربارگان‌های مختلف آن، از جمله مصوف قشون رژیم، اقدام به سرکشی و...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توجیه همگان را بر باده این واقعیت جلب می‌کند...

این اقدام، نتیجه مستقیم تلاش‌های مردمی و مبارزان فدایی برای برکناری منتظری است...

در این راستا، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اعلامیه‌ای صادر کرد...

تلاش‌های ما برای برکناری منتظری ادامه خواهد داشت...

سازمان فدائیان خلق ایران و نیروهای مردمی خود را متعهد می‌داند...

راشمن نمی‌کنند، عملاً در اتحاد وسیع مردم ایران جایی ندارند...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه‌سالان را، حزب، جمعیت‌ها، شخصیت‌ها...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه‌سالان را، حزب، جمعیت‌ها، شخصیت‌ها...

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر رژیم ولایت فقیه...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۸

مجلس شورای انقلاب، در این خصوص، اقدامی نکرده است...

در این راستا، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اعلامیه‌ای صادر کرد...

تلاش‌های ما برای برکناری منتظری ادامه خواهد داشت...

سازمان فدائیان خلق ایران و نیروهای مردمی خود را متعهد می‌داند...

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

کارگران و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با گرم‌ترین درودها، روزگار رگسز، روز همبستگی جهانی زحمتکشان را به شما زحمتکشان پیگیران آزادی، استقلال، صلح و سوسیالیسم، شادباش می‌گوید.

اول ماه مه تحلی گره همبستگی رزمجویان نه محرومان زمین در پیگیر علیه همه مظالم محرومیت، علیه استثمار و استثمار، تبعیض و نابرابری، فقر و گرسنگی، جهل و تاریک اندیشی و استعمار و استعمارزدایی است. درفش اول ماه مه را که از حرکت پیش زنده ادوی کار، آواز است، در اهتزاز نگه دارید و سوننت گرانقدر همبستگی لینن لمللی رنجبران را وفا دارانه پاس بداریم.

در جهان سوسیالیسم، امروز کارگران و تمامی خلق، آرمان اول ماه مه را با زبانشناسی و به کارگیری ظرفیت های درونی سوسیالیسم و تلاش در راه نوسازی و تعمیق دمکراسی سوسیالیستی، پاس می‌دارند. اول ماه مه در جهان سوسیالیسم، جلوه‌گاه گسترده ترین و شمر بخش ترین همبستگی ها برای سوسیالیسم بیشتر است.

در دنیای سرمایه داری، دهها میلیون کارگر و زحمتکش، تحت رهبری احزاب چپ و اتحادیه‌های کارگری، با تجدید میثاق در مبارزه با خفقان، دمکراسی و سوسیالیسم، آرمان اول ماه مه را گرامی می‌دارند.

در میهن ما ایران نیز، علیرغم سیطره استبداد مذهبی، پرچم اول ماه مه، به نشانه ایستادگی و نبرد شما زحمتکشان در برابر بربریت و بهره‌کشی، و جهل و تاریک اندیشی، همچنان در اهتزاز است.

کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه سال در شرایطی برگسزار می‌شود که ناراضی‌ها همه با رینگ شنت ساله ایران و عراق، با تمام شکل خود بر زندگی تان فشار می‌ورد. بیگاری وسیع، گرانی کمر شکن و دیگر مظاهر سحر بحران عمیق اقتصادی رژیم، همچنان و بیش از همه بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. رژیم خمینی علیرغم قطع ناگزیر جنگ، از رفیع حالت بسیج جنگی در کشور امتناع کرده و با گرفتار کردن جامعه در شرایط برخی "نه جنگ، نه صلح"، دستبندی به صلح یا پایداری سازمان اقتصادی کشور را مختل کرده است. برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ نه صلح" و استقرار صلح یا پایداری رژیم،

رژیم تبهکار خمینی پس از پذیرش ناگزیر صلح در تاریخ ۶۷، بلافاصله جنگ دیگری را علیه مردم تدارک دید و فاجعه‌هایی دیگری را با کشتار زندانیان سیاسی کشور پدید آورد. حدها تنگ از پیگیری ترین زحمتکشان را آزادی و سپهروزی مردم، شما رنجبران از برجسته ترین نمایندگان و رهبران طبقه کارگر و فداکاران بر سر باقی جنبش سندیگایی کشور ایران در زندان های جمهوری اسلامی تیرباران شدند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر بهر فرورق رفقای شهید، کارگران قهرمان، بندهای سراسر، عباس جعفری، توفیق وثوقی، سهیلا درویش کهن، علی انصاری غمی، حسین

قاسم نژاد و دیگر کارگران شهید درود می‌فرستد. بی شک با بیداری غرور انگیز و قهرمانانه آنان الهام بخش همه زحمتکشان خواهد بود که در راه آرمان های طبقه کارگر و سپهروزی بشریت پیگمار می‌کنند.

کارگران مبارز! رژیم خمینی، رژیم ترور و اختناق، رژیم سرکوبگری آزادی های سیاسی و سندیگایی و پایداری کننده ابتدایی ترین حقوق دمکراتیک مردم میهن ما است. ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، سرکوب سازمان های سیاسی، انحلال سندیگاها و شوراهای سازماندهی و مطبوعات، تفتیش عقاید، ترویج خرافه و جهل، تبعیض و تمحیلات ارتجاعی علیه زحمتکشان، اقلیت های ملی و مذهبی و کشتار خلق های تحت ستم سیاسی از دهسال تبهکاری این رژیم آزادی کث و مردم ستیز است.

شما کارگران آماج مقدم سرکوبگری رژیم و ذینفع ترین نیرو در مبارزه علیه ولایت فقیه هستید. علیه سرکوب و اختناق، علیه خدنگا مگی رژیم خونریزی، به خاطر تان این آزادی های سیاسی و سندیگایی مبارزه کنید. برای آزادی بیگانه، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب و حق ایجاد دویا عضویت در شکل های سیاسی و دمکراتیک، متحد شوید و مبارزه کنید.

کارگران مبارز! قانون کار مصوب مجلس علیرغم پذیرش بخشی از حقوق صنفی رفقای کارگران، برخی از اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی از قبیل حق کار و امنیت شغلی، حق ایجاد آزادانه شکل های صنفی مستقل و حق اعتصاب رایج را میمال کرده است.

ماده ۲۷ این قانون، همانند ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه، امنیت شغلی را از کارگران صلب کرده است و دست کارفرما را در اخراج کارگران کاملاً باز گذاشته است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به پا خاستید، برای لغو این ماده و پایان دادن به اخراج های خودسرانه نیز مشکل خود مبادا رزگ کنید.

رژیم خمینی، شما را از حق انتخاب آزادانه نمایندگانی واقعی خود محروم کرده و پس از سرکوب و انحلال سندیگاها و شوراهای تان، تلاش کرده است قانون ارتجاعی شما را با اسلامی کباب هموار کند. انتخابی فرمایشی بر شما تحمیل کند. علیه مداخله دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان کارگری مبارزه کنید. قانون کار را بد حق شما را در تشکیل آزادانه شکل های صنفی و دمکراتیک بدرسمیت بشناسد.

قانون کار مصوب مجلس، همچنین شما را از حق اعتصاب محروم کرده و در مقابل، دست دولت و کارفرمایان را رسماً و عملاً در سرکوب اعتصاب باز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب کارگران را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و کارفرمایان به هیچ صورت اعم از تشویه، جرمیده، اخراج، بازداشت و غیره، حق انتقام جویسی را ندارند. برای تأمین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم آزادی کث و کارگزار سندیگایی، در قانون کار مصوب مجلس، انجمن های اسلامی را نیز به عنوان شکل کارگری معرفی کرده و مذبحا نسه می‌کشد انجمن اسلامی را که در واقع انجمن جاسوسی است، به شما تحمیل کند. گنجاندن این ارگان خبرچینی و تفرقه افکنی، این ارگان پرورنده سازی و اعتصاب شکنی در قانون کار، راهش است آشکارا به ساخت حقوق کارگران، به برای انحلال این لانه های پلیدی رژیم در همه واحدهای

است، یعنی ارگانی که وظیفه مرکزی اش جاسوسی و پرورنده زنی علیه لینن کارگری و تفرقه افکنی در صفوف کارگران است.

در سال ۶۷، هسته های مخفی کارگری به لحاظ کمی، افزایش قابل ملاحظه ای نیافت، اما شماری از آنها از نظر کیفیت کار سازمان نگارنده و تقویت پایگاه خود، رشد کردند و منشأ اثرات معینی در هدایت برخی از اعتراضات توده ای علیه سیاست های رژیم شدند.

سال ۶۷، بر کارگران میهن ما، دشوار گذشت. زحمتکشان، علیرغم قطع جنبش، روی آسایش و امنیت ندیدند. سرخورداری از ابتدایی ترین حقوق صنفی - رفاهی از آنها دریغ شد، میسرترین ویدیهی ترین خواست های نیافت، "رقاه طلبی و مصرف گرایی" محکوم و سرکوب شد، عووض، ریاضت کشی و تحمل مصائب عظیم تر از جانب خمینی به آنها تجویز شد. سال ۶۷، در عین حال سال تداوم مبارزه بود. مبارزه ای بی وقفه و آکنده از تجربه. سال ۶۷، سال گسترش جنبش شونده ای نبود، اما نمی توان گفت که برای گسترش و اعتلای آتی جنبش، اندوخته ای فراهم نکرد.

تولیدی و خدماتی و حذف آنان از قانون کار مبارزه کنید. کارگران مبارز و آگاه!

رژیم جمهوری اسلامی یک سال و نیم پس از آن که قانون کار اسلامی اش را در مجلس به تصویب رسانده، امروز با این دستاویز که "اجرای آن برای دولت مستلزم تحمل بار مالی سنگین خواهد بود و سرمایه داران نیز با وجود این قانون، سرمایه داران را بیچاره خواهد کرد" سعی دارد همین قانون و غیره دمکراتیک را نیز منسوخ کند. به همین خاطر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب نهایی آن سر باز زده و آن را به مجلس شورای نگهبان عودت داده است. این اقدام، بیش از پیش حساسیت رژیم اخوندی را در پاسداری بی خدشه منافع سرمایه داران غارتگر، نمایان می‌سازد. رژیم خمینی با این اقدام، در عین حال می‌کوشد، با تاکتیک "گرفتن به مرگ برای رفاهی کردن به تنب"، شرایطی را پدید آورد که طبقه کارگران را زیر فشار سرانجام به همین قانون کار مصوب مجلس رضایت دهد. کارگران آگاه و مبارز را باید این توطئه های ضد کارگری را وسیعاً افشا کنید.

کارگران را بشوید و آگاه! مبارزه کارگران را برای پایان دادن به شرایط نه جنگ، نه صلح و تأمین صلح پایسدار، سازمان دهید. علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندیگایی، علیه بازداشت، سرکوب، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و رهبران جنبش کارگری اعتراضی کنید. برای نجات جان زندانیان سیاسی و آزادی آنها بیگاری کنید.

بسیج و سازمانگری توده کارگران حصول مطالبات اساسی و مبرم صنفی و سیاسی و وظیفه مرکزی شما است. هسته های مخفی کارگری را به وسیله در واحدهای کلیدی و منابع بزرگ سازمان دهید و از همه مکانات فعالیتی علنی برای جذب توده کارگران و تدارک شکل های صنفی مستقل استفاده کنید. ضوابط ضد دمکراتیک قانون شوراهای اسلامی کار را افشا کنید. مبارزه کارگران برای بسرگزاری انتخابات آزادانه شکل های صنفی را سازمان دهید. اعتراض کارگران علیه ماده ۲۷ را متشکل کنید. نشانات بشوید و خمینی، سرحدی زاده و دیگر سران عوام فریب رژیم در توجیه ضرورت ریاضت کشی کارگران و عدم مطالبه افزایش دستمزد را بیگاری افشا کنید. برای افزایش سطح حداقل دستمزد، بهبود وضعیت تعاونی های مصرف و مسکن کارگری و اجرای طرح طبقه بندی مثال مبارزه کنید. برای تثبیت روزگار، به مثالبسه روز تعطیل رسمی و سرگزاری آزادانه جشن اول ماه مه بیگاری افشا کنید.

کارگران و زحمتکشان را بشوید! برای تحکیم صفوف زنده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای تأمین اتحاد وسیع ترین اقشار خلق رزده علیه رژیم ولایت فقیه، برای گسترش پیوندهای لینن لمللی طبقه کارگر و تحقق آرمانهای شریف اول ماه مه، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید.

در اهتزاز یاد پرچم اول ماه مه زنده با طبقه کارگران زنده با دوسویا لیم پیروز با دمکراسی خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول اردیبهشت ۱۳۶۸

متراکم تر شدن ناراضی طبقه کارگر و تشدید بی اعتمادی آن نسبت به رژیم آزادی کث و کارگر سندیگایی جمهوری اسلامی، بی تردید، شاهین ترازو را بیش از پیش به زیان رژیم بی آینده آخوندها خم خواهد کرد.

کارگران مبارز! ماده ۲۷ قانون کار اسلامی دست کارفرمایان را در اخراج شما کاملاً باز گذاشته است. طبق ماده ۲۷، کارفرما حتی از پرداخت حق سنوات به کارگر خارجی نیز معاف شده است.

همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به پا خاستید، علیه ماده ۲۷ قانون کار اسلامی نیز مبارزه کنید. برای پایان دادن به اخراج های خودسرانه متشکل شوید. قانون کار باید بحق کار و امنیت شغلی کارگران را به رسمیت بشناسد و آن را تضمین کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جنبش کارگری ایران... بقیه از صفحه کارگر" نیز در انتقاد به قانون شوراهای و ضوابط آن، "لزوم بازنگری و تمحیح آن و آسین نامعنا می‌مربوطه" را طرح کردند و از جمله در کنگره سراسری شوراهای اسلامی کار که در آذرماه برگزار شد، رسیدگی به نواقص قانون شوراهای اسلامی را یکی از موارد مهم دستور کار خود قرار داده و در قطعنامه های خود بر آن تأکید کردند.

مبارزه کارگران علیه ضوابط و عملکردهای شوراهای اسلامی کار طی سال ۶۷، حاوی تجارب سودمندی برای جنبش کارگری ایران در راستای دستبندی به شکل های صنفی مستقل بوده است. این تجربه بسیار نگران است که رژیم کارگرسنیز خمینی حتی از وجود همین شوراهای که بر اساس قوانین و ضوابط ساخته و پرداخته خود و تشکیل شده و به کارگران تحمیل شده است نیز خرسند نیست و در بسیاری موارد، مطالبات و عملکردهای آنها را

منا بر مصالح و سیاست های خود می‌یابد. رژیم، از این که همین شوراهای اسلامی کار در مواجهه با مدیریبت، حق نظارت و با مشا رکت در اداره تولید را مطالبه می‌کنند، نگران و ناراضی است. شکل مطلوب رژیم اخوندی در محیط کار، انجمن اسلامی

به یاد رزم آوران سنگر خونین کار

در موج کشتار عام زندانیان سیاسی کشور طی ماههای اخیر، شماری از برجسته‌ترین و متعهدترین کارگران پیشرو و فعالین سازمان فدائیان خلق، جنبش‌سندیکا بی طبقه‌کارگران ایران، به‌شهادت رسیدند. در میان این شهدا، رزمندگان بی‌بوندگاری بودند که در غلظت‌های شکنجه‌های دراز مدت، آذوقه‌ها را به‌ظلمت‌پروری و با گذرایی بی‌پروزی انقلاب، نتوانستند سرود همبستگی کارگران را با بانگ بلند فریاد زدن، آنها که عمره رنج، تجربه و آگاهی چنددهه‌ساله جنبش کارگری ایران بودند، آنها که از توده‌ها بودند و به توده‌ها و در راه آنها، جان عاشقان را با ایمان به فردای روشن و پیروز زحمتکشان، نشاگر کردند. گرامی بداریم یاد رزم آورانی را که "برهنه پای برجاده‌ای از شمشیرکند شده‌اند". پاس بداریم آرمان شریفشان را و گام‌زنیم باز در پاصوی هم، در راه استرگشان که راه‌های بی‌پروزی توده‌ها است.

در اول ماه مه سال باکرامی داشت خاطره همه‌شهادی جنبش کارگری ایران، مروری کوتاه بر یاد دانا شهدای کارگرو فعالین کارگری می‌کنیم:

* - رفیق شهید، بندعلی مرادپور (بندی)، کار در برجسته‌ها زمان و از قهرمانان مقاومت در زندان‌های شاه و جمهوری اسلامی، کارگر خیاط و از سازماندهندگان اصلی سندیکا‌های صنایع تهران بود. رفیق بندی مسئول نشریه "اول ماه مه"، ارگان سندیکا‌های کارگری خیاط، کفایت و بافنده‌سوزنی تهران بود. او طی سالهای پس از انقلاب، به‌ویژه در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ نقش موثری در سازماندهی جنبش کارگری در صنایع تهران داشت. رفیق مرادپور در آموزش رژیم به سازمان در تابستان ۶۵ دستگیر شد و در پراکنش شکنجه‌های وحشیانه رژیم قهرمانانه مقاومت کرد و در جریان قتل عام زندانیان سیاسی کشور به شهادت رسید.

* - فدایی خلق رفیق شهید عباس جعفری، کارفداکار و قهرمان، کارگر جوخه‌کنسار و از سازمانگران مبارزان کارگری در منطقه مشرفی تهران بود. رفیق عباس در میان کارگران از محبوبیت فوق‌العاده برخوردار بود. نقش او در تقویت و تحکیم یگان توده‌ای سازمان در مناطق کارگر نشین جوادیه و خاک سفید تهران بسیار چشمگیر بود. رفیق عباس از سال ۶۲ تا ۶۵ وظایف سازمانی را به‌مثابه عضو هیئت یکی از گروه‌های مرکزی تهران فداکارانه پیش برد. در تیرماه تابستان ۶۵، دستگیر شد و زیر شکنجه‌های دراز مدت در محکم‌فهرمانان ایستاد و در پاصوی ۶۷ جوخه‌اعدا سپرده شد.

* - رفیق شهید توفیق وثوقی، فدایی خلق، کارگر پیکربندی و از سازماندهندگان سندیکا‌های کارگران چاپ و کتابفروشی‌های تهران بود. رفیق توفیق در میان کارگران چاپ از احترام و اعتماد ویژه‌ای برخوردار بود. در سال ۶۵ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و علی‌رغم شکنجه‌های مکرر رژیم بر سر آرم خود ایستاد و در پاصوی ۶۷ در پاصوی جوخه‌اعدا سپار شد.

* - فدایی خلق رفیق شهید علی اصغر ضیغمی، کارگر پیکربندی و از سازماندهندگان کارگران بود. در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ رهبری یکی از هسته‌های مخفی کارگری کارخانه‌ها را به‌عهده داشت و کارگران او را به عنوان کارگرمی فدایی می‌شناختند و از او به عنوان نماینده واقعی خود حمایت می‌کردند. او نماینده اتحادیه تعاونی‌های مسکن کارگران را به‌مثابه دبیر پیشکار و دربار بسیار در جهت دستیابی به مطالبات کارگران مبارز می‌کرد. رفیق اصغر در سال ۶۵ دستگیر شد و بر سر آرم خود در سنگرسازمان و طبقه کارگری ایستاد و در پاصوی ۶۷ توسط جلادان اوین تیرباران شد.

* - رفیق شهید فدایی خلق حسین قاسم‌نژاد، کارگر خیاط و مسئول کارگران سازمان در شهر کرج بود. رفیق حسین در طول سالهای طولانی مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم خمینی به‌یکسانی از کارهای محراب و زنده‌جنبش انقلابی بدل شد. او نقش موثری در سازماندهی مطالبات و مبارزات کارگری منطقه تحت مسئولیت خود داشت. رفیق حسین در سال ۶۵ دستگیر شد و پس از تحمل دو سال شکنجه در زندان‌های رژیم، در کناره‌های تیرباران به شهادت رسید.

* - فدایی خلق سرور درویش کهن، کارگر پیشروی کارخانه هوشمت تهران بود. رفیق سرور مبارز بی‌شور، پرشمار، مصمم و سرباز عشق به مردم بود. فدای کار، صراحت و باطنیت او در دفاع از حقوق صنفی و سیاسی کارگران موجب احترام و علاقه عمیق کارگران نسبت به او می‌شد. او عاشق سازمان و طبقه‌اش بود و در راه آن می‌جنگید، جان بر کف پیکار می‌کرد. در ضربات تابستان ۶۵ رژیم خمینی به سازمان، رفیق سرور دستگیر شد و علی‌رغم شکنجه‌های بسیار، قهرمانانه بر سر آرم خود ایستاد و در پاصوی ۶۷ به شهادت رسید.

* - رفیق شهید محمدرضا شایبی، کارگر لایبکا هفت تهران و از فعالین سازمان نگران



مبارزات صنفی ننگران بود. رفیق محمد در سال ۶۲ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و پس از پنج سال اسارت در زندان‌های رژیم خمینی در جریان قتل عام زندانیان سیاسی کشور به شهادت رسید.

* - فدایی خلق رفیق شهید خلیل هوشیار، کارگری باقدود کارکنان جنبش انقلابی و کارگری کارخانه‌های اوزن‌سخت‌سازان‌های تکوین جنبش فدائیان خلق در صوف سازمان علیه رژیم شاه مبارزه کرد و در کناره‌های رفیق شهید محمد حسن دیانک شوری، یکی از قوی‌ترین گروه‌های هوادار سازمان (گروه روزیه) را سازماندهی کرد. رفیق خلیل در میان زحمتکشان لنگرود و در محیط کارش از محبوبیت و نفوذ اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بود. او در زمستان ۵۸ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و پس از تحمل نزدیک به ده سال اسارت در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی و با یداری قهرمانانه در پاصوی مواضع خود، در پاصوی ۶۷ به شهادت رسید.

* - رفیق شهید محمد تقی همجواری، از ننگران مبارز لایبکا هفت تهران بود. رفیق همجواری در سازماندهی و هدایت جنبش مطالباتی و مبارزات صنفی ننگران نقش موثری داشت. او در سال ۶۳ به واسطه جمع‌آوری طومار اعتراضی علیه وزیر کار دستگیر شد و پس از تحمل چند سال اسارت در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی قتل عام زندانیان سیاسی کشور، به جوخه‌اعدا سپرده شد.

* - رفیق شهید علیرضا کبایی، از ننگران لایبکا هفت تهران بود. رفیق علیرضا از زندانیان مبارز رژیم شاه بود و به‌خاطر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نیز در پاصوی زندان افتاد. او در پیشبرد سیاست سندیکا‌های سازمان در محیط کار بسیار روکوش بود و به‌مثابه مبارز می‌توانست از احترام و علاقه همکاران برخوردار بود. رفیق کبایی در سال ۶۶ توسط مزدوران رژیم دستگیر شد، در پاصوی شکنجه‌های دراز مدت را به‌مثابه قهرمانانه سپار و در زمستان سال ۶۷ همراه دیگر مبارزان تیرباران شد.

* - فدایی خلق رفیق شهید خدایار خواجه‌ای (فرا مرز)، زندانی سیاسی رژیم شاه، کار در برجسته سازمان، و از مسئولین شعبه کارگری بود. رفیق فرا مرز در تدوین سیاست سندیکا‌های سازمان و سازماندهی جنبش توده‌ای کارگری در سالهای پس از انقلاب نقش موثری داشت. او در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ به‌مثابه رهبر هیئت یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرکزی سازمان، وظایف سازمانی را به‌شانه برد و در سازماندهی هسته‌های مخفی کارگری و هدایت تعدادی از اعتراضات و اعتصابات کارگری نقش مهمی ایفا کرد. رفیق فرا مرز در آموزش تابستان ۶۵ رژیم دستگیر شد و پس از تحمل دو سال شکنجه در زندان‌های رژیم، در تابستان ۶۷ به شهادت رسید.

* - رفیق شهید احمد تقی‌لینی، کارگر پیشرو سابق سازمان و مسئول شعبه کارگری سازمان جوانان خود را در زندان‌های دراز مدت سپری کرد. رفیق احمد مدت‌ها مسئول سازماندهی مبارزات ننگران خوزستان بود. در سال ۶۳ دستگیر شد و شکنجه‌های

ما کوهوار پارچا شیم
و اقیانوس وار به هم پیوسته
ما از تبار رنجیم،
از دودمان زحمت.
ما پیک‌های بهاریم
و سوسایسیم
بهارتا ریخ است.

"بخشی از سرود معدنچیان آسیانیا"

و حشیا نه‌دزخیمان اوین را با سفرهای تحمل کردو در مه‌ماه ۶۷ به جوخه‌اعدا سپرده شد.

* - فدایی خلق رفیق شهید سعید طباطبایی، از کارگران برجسته سازمان و مسئول شعبه کارگری ایالتی اصفهان بود. او در سازماندهی و هدایت جنبش توده‌ای کارگری به‌ویژه در ذوب آهن سن و صنایع نساجی اصفهان نقش فعالانه و موثر داشت و در پیشبرد سیاست سندیکا‌های سازمان و سازماندهی جنبش توده‌ای قانون کار سهم‌های داشت. رفیق سعید همراه با همسرش رفیق شهید، شهادت بی‌آرامی دستگیر شد و علی‌رغم شکنجه‌های حیوانی رژیم بر آرم خود ایستاد و در سال ۶۷ به شهادت رسید.

* - فدایی خلق رفیق شهید محمد حسن دیانک شوری (منصور)، عضو مشا و رکن کمیته مرکزی سازمان و از مسئولین اولیه شعبه مرکزی کارگری سازمان بود. رفیق منصور در تدوین سیاست سندیکا‌های سازمان در سال‌های ۵۸ و ۵۹ نقش موثری داشت. او از مبارزان پر سابقه و محراب جنبش انقلابی و از زندانیان مقاومت رژیم شاه بود. رفیق منصور سازماندهی و تقویت گروه‌های توده‌ای در قریب به بیستم جنبش‌های داشت. او در تابستان ۶۵ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های بسیار، در تابستان ۶۷ در پاصوی جوخه‌اعدا سپار شد و جان پاکش ز خون تنبید.

* - فدایی خلق رفیق شهید صمد اسلامی، عضو کمیته مرکزی سازمان و مسئول کارگری تبریز بود. رفیق صمد از سازمانگران مبارز و محراب جنبش کارگری آذربایجان بود و در گسترش و تحکیم بنیوندهای توده‌ای سازمان در تبریز نقش ویژه و برجسته‌ای داشت. رفیق صمد محبوب کارگران و زحمتکشان بود و در میان آنها از اعتماد و اعتماد خاصی برخوردار بود. او در سال ۶۲ دستگیر شد و پس از ۵ سال مقاومت قهرمانانه در پاصوی و حشیا نه‌ترین شکنجه‌ها، سرانجام در تابستان ۶۷ به دست جلادان خمینی به شهادت رسید.

* - رفیق شهید فدایی خلق پرویز لاهی، از کارگران قدیمی و پر سابقه جنبش انقلابی و مسئول کارگری کمیته ولایتی شهر قزوین بود. رفیق پرویز از زندانیان سیاسی رژیم شاه بود. پس از آزادی از زندان به سازماندهی جنبش توده‌ای کارگری در شهر صنعتی قزوین کمک داشت و نقش موثری در پیشبرد سیاست سندیکا‌های سازمان و هدایت این جنبش ایفا کرد. رفیق پرویز پس از ضربات تابستان ۶۵ دستگیر شد و بر سر آرم خود ایستاد و در پاصوی ۶۷ پیکرش آمساج گلوله‌های دراز مدت را به شهادت رسانید.

* - فدایی خلق رفیق شهید خلیل لطف‌الله زاده، کارگر پر سابقه و فداکار سازمان و از نخستین مبلغین سازمان نگران جنبش توده‌ای کارگری سازمان در جریان انقلاب بهمن بود. رفیق خلیل مبارز بی‌شور و بی‌پروایی بود و تمام هم‌خود را صرف با فتن اشکال هر چه موثرتر کار سازمان نگران توده‌ای می‌کرد. رفیق خلیل در زندان‌های رژیم شاه و جنبش استوار رومون به‌آرم طبقه کارگری و حقانیت راهی که برگزیده بود ایستاد و در تمام مدت پاصوی ۶۷ توسط جلادان اوین تیرباران شد.

* - رفیق شهید پیروز آجایی، از مسئولین کارگری منطقه شرق تهران بود. او با طیف وسیعی از کارگران کارخانجات مختلف تهران ارتباط نزدیک داشت و بی وقفه در راه پیشبرد سیاست کارگری سازمان تلاش می‌کرد. رفیق پیروز در جذب و بسیج توده کارگران، سازماندهی حرکت آنها استعداد ویژه‌ای داشت و چهره‌ای محبوب و مورد اعتماد دبیران توده کارگران بود. رفیق پیروز زندانیان شکنجه‌گانه‌های رژیم خمینی را نیز بسیار عشق به کارگران و زحمتکشان، بی‌پرومانانه تحمل کرد و جان سرسرمیتا ق خود را توده‌های محروم نهداد.

پرچم‌ها دشان درخا طره توده‌ها
خاودان در اهتزاز باد

سرچشمه می گیرند؟

این مسایل همان گونه که اطلاع دارید درکنگره ۲۷ حزب دوقیمتاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بسیاری از سخنرانی های میخائیل سربوگویی که رباچف و از جمله سخنرانی اخیر او و دربار برنامایندگان مجمع عمومی سازمان ملل متحد به این مسایل اختصاص داشته است. پاسخ ما به این مسایل، همان تفکر نوین سیاسی است. اما خصوصیات اصلی و صفات متمایز این تفکر کدام است؟

اول، روی آوردن به همه آن عناصر نوین و آینده داری که شاخص جهان معاصر هستند و خصوصیت منحصر به فرد و محتمل ترین گرایشات رشد و تکامل آن را تعیین می کنند.

دوم، تفکر نوین سیاسی ایده رشد و تکامل را در صرح تریستی و بلاواسطه ترین شکل آن در صدر قرار می دهد.

سوم، تفکر نوین سیاسی عبارت است از بازتعیین ژرف تمامی سنن سیاست اعمال زور و فاصله گیری بارز از جایز و جویب این سیاست. تناسب قوای اجتماعی در ایجاب دکل بشریت امروز به گونه ای است که امکان می دهد ریشه کن کردن اشکال نظامی و قهرآمیز از حیات کشورها و خلق ها به مثابه مسئله و وظیفه ای اکیدا عملی پیش کشیده شود و به جای آن ها اشکال حل سیاسی و حقوقی تضادها و ستیزها نشانده شود.

به لحاظ اصولی نادرست خواهد بود اگر ساله منافع و ارزش های عموم بشری را تنها در روابط فربوط به بقا خلاصه کنیم. در پی این ساله وظایف به مراتب بفرنج تری سر بلند نخواهد کرد: سازماندهی زندگی بین المللی بر پایه ای عادلانه، خرید و فروش و مبادله. سازماندهی خود همان جهان غیر هسته ای، که با پدید آمدن مسایل خود را به طور ملموس آزمی و حساب احتساب منافع همه طرف های ذینفع حل و فصل کند، جهانی که باید علم دشوار بلورالیم منافع را نه تنها در مناسبات میان خلق ها، بلکه همچنین در حیات سیاسی درونی آنان فرا گیرد، و این خود از به هم وابستگی متقابل هم این وهم آن ناشی می شود.

آیا جهان از خطر هسته و غیر هسته ای، تماما با جادوهای مصنوعی منافع و اغراض گروهی منقسم خواهد بود؟ ما این که راههای موثری پیدا خواهد شد برای تلقیق "من" هر کشور و خلق و حق بلا شرط او و برای انتخاب از یک طرف یا توانایی او در به حساب آوردن دیگران و یافتن زبان مشترک با آنان، از طرف دیگری اما در این حالت، این همان تحقق پایه عمیق بشری در تاریخ خواهد بود.

امروز معنای کاملاً مشخص مفهوم عموم بشری چیست؟ جلوگیری از جنگ هسته ای. متوقف ساختن روند خطرناک انحطاط طبیعت. گرفتن حربه امکان به جهان هم نداشتن خلق ها از دست ارتجاع. تغذیه گرسنگان، درمان بیماران، آموزش بی سوادان، جلوگیری از تلاطمات بحرانی که آسیب آن را میلیون ها انسان ساده تحمل خواهد کرد. تا مین رشد و تکامل اجتماعات اقتصادی، غلبه بر عقب ماندگی، پیشرفت علم و فرهنگ، مبادله ارزش های راستین معنوی، حفظ حراسات فضای اخلاقی بشریت از گزند پلیدی ها و مسوومیت ها.

چنین است مضمون واقعی امروزین منافع عموم بشری. اما آیا کدام یک از این منافع با ایده آل ها و اهداف سوسیالیسم در تضاد قرار دارد؟ هیچ یک! کدام یک از این ها با منافع طبقه کارگر متضاد است؟ هیچ یک! کدام یک از آنان با منافع کشورها و سوسیالیسم جهانی در تضاد است؟ باز هم هیچ یک!

برعکس، در جهان معاصر هر قدر هر یک از این منافع و با تمامی آنها بیشتر، کامل تر، و مطمئن تر تا مین شوند، به همان میزان مواضع کشورها استحکام بیشتر خواهد یافت. رفقا! برخوردن ما به هشیار - برخاسته از زندگی و خواست های مردم نسبت به نوسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی و نسبت به انجام وظایف اخلاقی، کلید تبدیل آرزو به واقعیت است. روندهای ساله سازی بفرنج اندو ممکن است با فرازونشیب و جهش و بزنگاه همراه باشند. اما با ایجاد مناسبات جدید، ما زیربنای رشد و تکامل ساله ما را فراهم خواهیم ساخت. اگر نسازیم و اگر در جریان نوسازی در برابر فلان دشواری های آن تسلیم شویم، آنگاه گرایشات ویران گر در عرصه اقتصادی و سیاسی - اخلاقی ممکن است از برخی لحاظ درمان ناپذیر گردند. آنگاه نه تنها با زکشت به گذشته و به آنگاه می رگود، بلکه محافظه کاری معسارض و اشتغال جویی نیز می یابند ما را تهدید کنند که سر مست پیروزی است. این را باید ببینیم. این را باید ما کمونیست های حزب کبیر درک کنیم.

زیر نویس: * - کنایه از آب درون گویند. سیریف نام پادشاه افسانه ای یونان باستان که بنا به غضب خدایان محکوم به آن شده بود که تا ابد سنگ را از گروه بالابرد که هر بار سه محض رسیدن به قله، دوباره به پایین می غلطید. م.

اگر در آرگانیم سوخت و ساز صحیح صورت نمی گیرد، غذا چیده فایده ای می تواند داشته باشد؟ در سیاست هم مثل طنز چن نباید سیاست حرکت کرد. قبل از تولید، باید آموخت که محصول را چگونه می بایدست عمل آورد، نگاه داری کرد، و به دست مصرف کننده رساند. آن هم بدون ضایعات. اما با تاکنون در آفسون تولید بوده ایم. تاکنون تقدیرنامه و پاداشی در قبال نگاه داری قرار داده ما اعطا نشده است. در حالی که به خاطر تولید میلیون ها نفر نشان گرفته اند. اگر چه هر کس می دانند که محصول نه در خود مزه، که در سفره است که ارزش دارد.

در گام این امر که ما رکن و انگلس در طراچی شیوه تولید غیر کالایی و بدون بازار اشتباه کردند برای لنین فوق العاده دردناک بود. این فرضیه از آزمون زندگی سر بلند بیرون نیامد، "کمونیسم جنگی" یک اشتباه و نتیجه اتوبی تحمیلی غیر کالایی بود.

پس از سال ۱۹۲۱ تکامل نظرات لنین هر روز در جهت پذیرش تدریجی این نکته پیش می رفت که سوسیالیسم جامعه ای است با تولید کالایی، بازار، رقابت، ارز، دمکراسی و نظایر آن. لنین در اثر "در باره تعاضد" چنین نوشت: "در آرزوهای تعاون گران کهن خیلی چیزها تخیلی بود. اکنون بسیاری عناصر تخیلی، حتی رمانتیک و حتی مبتذل از آرزوهای تعاون گران کهن به واقعیت محض تبدیل می شود."

چرا تعاونی؟ زیرا همانا تعاونی آن دستگاه مختصاتی است که در آن می توان منافع شخصی را با جمعی، منافع جمعی را با دولتی، و منافع دولتی را با اجتماعی به شریک ترین نحو سازگار و هماهنگ ساخت و سرتاج مسئله اصلی را حل نمود: به یکسان سازی هلاکت بار خاسته داد و به برداخت بر حسب کار تا نایل آمد. بدون این امر ساختن سوسیالیسم اتوبوی است، بدون این امر جامعه و انسان از مالکیت و قدرت بیگانه هستند و لاجرم قدرت و مالکیت به صورت زاده دولت درمی آیند و نه چیزی بیش از آن.

فعالیت کاری انسان ها همیشه سگانه است: تولید مبادله - توزیع. در عین حال طبقه "تولید مبادله" از زمانی که شکارچی بدوی و ماهیگیر بدوی گوشت و ماهی را مبادله می کردند امری فراطبیعی بوده است. توزیع امری تاریخی است: برده خوراک دریافت می کرد، رعیت اقتصاد خود را داشت، و پرولتر مزدور بر حسب کارش دریافت می کرد، اما تنها به آن اندازه که با تولید جسمانی او را تا مین کند. این بدیهیات درس عمومی اقتصاد سیاسی را برای آن یادآوری می کنم که بگویم: وقت آن است که به بار و براری همیشه دروغ ناسازگاری سوسیالیسم و بازار را از آگاهی خود بزدانیم.

دولت از آنجاست نمی تواند به طور عقلایی بازرگانی کند که خود همیشه به حساب جامعه زندگی می کند. در عین حال دولت می تواند دادستان متعده بازرگانی باشد، تنظیم کننده جریان های مالی، و کنترل کننده برداخت بر حسب کار. خود دولت که نمی تواند برداخت بر حسب کار را برقرار کند، چنین فکری محض است. این کار تنها از عهده بازار برشته سوسیالیستی ساخته است. بدون بازار در آینده هم محدودیت ها، کمبودها، متنوعیت ها، و بیخنا مهایی بر ما حاکم خواهد بود که دقیقاً پشتوانه ما شین ترمز هستند.

عمیقاً اعتقاد دارم که موازین سگانه زیر باید در جامعه به صورت قانون درآیند: ۱- مبادله عادی معادل های کاری، یعنی چیزی که تنها در بازار میسر است و چیزی که قادر است به طور واقعی به ریخت و پاش بی معنی پایان دهد.

۲- مبادله عادی اطلاعات، چیزی که تنها در شرایط دمکراسی و علنیست میسر است. انحصار اطلاعات، مانع ایجاد کردن و محدود نمودن جریان های اطلاعاتی با یکدیگر، و به آخره باقت استبدادی این جریان ها سوسیالیسم را لاجرم به استالیسیسم می کشاند.

۳- سیستم عادی ارتباطات معکوس، چیزی که خود کامی را بسا اولویت قانون منکوب می کند، تنها قوانین هستند که می توانند جامعه را به طور عادلانه اداره نمایند. نوسازی تضادگیری نیز دارد. این تضاد آن است که ارتباطات معکوس که در حقیقی سطوح و مدارج اداره زندگی جامعه ضروری است، در بسیاری موارد از هم گسیخته شده و در بسیاری موارد هم امل وجود ندارد. ضرورت بازاری مناسبات جدید نیز از همین جا است. تاکنون بارها گفته شده است که راستای اصلی رفوم سیاسی عبارت است از دمکراتیزاسیون، علنیست، قانونیت، و مسوولیت. مجموعه این ها هم یعنی خودگردانسی سوسیالیستی خلق.

چند کلامی هم در مورد مسایل بین المللی. در این زمینه نیسوز نوسازی ما را به مرز کیفیتا نوینی نزدیک می کند. اهداف ما کادامه و از کجا

ناآرامی در گرجستان شوروی

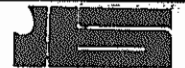
از اوایل ماه آوریل (نیمه فروردین ماه) امسال، تظاهرات و راهپیمایی های بی درتفلیس، پایتخت جمهوری گرجستان شوروی در اعتراض به خواست برخی محافل اجتماعی ایالت خودمختار "بخازیا" مبنی بر جدایی این ایالت از جمهوری گرجستان، آغاز شد. ادامه تظاهرات در روزهای بعد چهره ناسیونالیستی به خود گرفت و شعارهای ضد شوروی و ضد سوسیالیستی و جدایی گرجستان از اتحاد شوروی در آنها مطرح شد. ابتکار عمل در این ایالت به دست جریان ناسیونالیست ناسیونالیستی موسوم به "نهضت رهای بخش ملی گرجستان" افتاد. علیرغم تلاش های رهبران جمهوری برای آرام ساختن اوضاع، اعتماد به نظر هرات برای مایافت.

شامگاه آوریل، ناآرامی ها به اوج خود رسید. در میان تظاهرات کنندگان، زمزمه های اشغال مرکزی دولتی در جمهوری گرجستان، قلع و قمع کمونیست ها و تشکیل دولت موقت، و چگونگی

در چنین شرایطی، رهبران محلی برای کنترل اوضاع، ارتش را به کمک طلبیدند. نیروهای ارتش دستور داشتند که بدون استفاده از سلاح، تظاهرات کنندگان را متفرق سازند. اما عده ای از تظاهرات کنندگان با جوبدستی، میله های آهنی و سنگ به مقابله برخاستند. در جریان این زد و خورد ها و بر اثر فتنه جمعیت تعدادی از مردم زیر دست و پا نشدند و به قتل رسیدند. بر اساس آمار اعلام شده، تعداد کشته شدگان ۱۹ نفر و مجروحین ۲۵ نفر است. ۷۵ نفر از مجروحین از نیروهای ارتش بودند. ساعت ۱۱ همان شب، حکومت نظمی در شهر اعلام شد. برای تخفیف اوضاع بحرانی و عادی سازی شرایط سلسله اقداماتی از سوی حزب کمونیست اتخاذ و در دستور و جمهوری گرجستان آغاز شد. ادوارد شواردناده وزیر امور خارجه و دبیر اول سابق حزب کمونیست گرجستان که خودگردانی است، و گئورگی رازوموفسکی، دبیر تشکیلات حزب کمونیست اتحاد شوروی به تفلیس اعزام شده و بلافاصله حلساتی با شرکت افراد شخصیت های موثر علمی، فرهنگی، ادبی، کارگران موسسات تولیدی، اساتید و دانشجویان دانشگاه و رهبران مذهبی جمهوری

تشکیل دادند. میخائیل گرباچف در پیامی بسسه مردم گرجستان از آنها خواست تا در این لحظات حساس در برابر خلق خویش و تاریخ با مسوولیت عمل کنند. کمیته امنیت دولتی، ۴ تن از رهبران نهضت به اصطلاح "رهای بخش ملی گرجستان" را دستگیر کرد. کارگران و جوانان تفلیس برای برقراری نظم، گروه های داوطلب تشکیل دادند. اوضاع شهر بهتر نشد و به آرامش گذاشت. کمیته ای متشکل از اعضای پارلمان، رهبران حزبی و شخصیت های محبوب مردمی برای بررسی و تحقیق پیرامون دلایل تراژدی آوریل تشکیل شد و موظف گردید که حقیقت را تا پایان دنبال کند و به اطلاع مردم برساند.

در جلسه پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان که در ۱۵ آوریل تشکیل شد، رهبر حزب، نخست وزیر و رئیس پارلمان جمهوری داوطلبانه استعفا کردند. اعلام شد که تصمیم برای دخالت نیروهای ارتش مورد حمایت همه اعضای رهبری حزب دولت (از جمله فرمانده لشکر ماوراء قفقاز) نبوده و بقیه در صفحه ۳



بخشی از پیام ک.م. سازمان به کنگره حزب کمونیست ایتالیا

به مناسبت هیجدهمین کنگره ح.ک.ا

۱- موقعیت حزب در آستانه کنگره

در نخستین روزهای فروردین ماه امسال، هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا (ح.ک.ا)، بزرگ ترین حزب کمونیست جهان غیر سوسیالیستی برگزار شد. ح.ک.ا، حدود ۱/۵ میلیون کمونیست (یعنی یک سوم همه کمونیست های کشورهائیسوسیالیستی) را در صفوف خویش متحد کرده است. لکن اتوریته و ثبوت اجتماعی این حزب تنهائی از کمیته نیست، توجه و علاقه مندی به آن، قبل از همه به فعالیت سیاسی مؤثر آن در سطح ملی و بین المللی پتانسیل غنی معنوی و نواوری در عملی و بستگی دارد.

ح.ک.ا، که به مناسبت نیروی اپوزیوسیونی قدرتمند همواره در محاسبات اتحاد حزب حاکم مورد توجه بوده، نقش مهمی در تامین آزادی های دمکراتیک در ایتالیا ایفا کرده است. کمونیست های ایتالیا در ایتالیا کشور، در ایتالیا رها رها رهبری ایالات وشهرها گامی گنجد در سراسر ایتالیا کمیته های فعال حزبی دارند. در نتیجه، کنفدراسیون سراسری کار ایتالیا که بزرگ ترین سندیکای کارگری اروپای غربی است و بیست و پنج میلیون عضو دارد، راه دایمی می کند. در این کنفدراسیون حزب سوسیالیست ایتالیا نیز حضور دارد. حزب کمونیست های ایتالیا یگانگانه حزب کمونیست اروپای است که بخش عمده نهضت تعاونی کشور را سازمان می دهند.

تحوالات توانایی که در کشورهای رشد یافته سرمایه داری (از جمله ایتالیا) در سال های دهه ۸۰ رخ داد، کمونیست ها را با مسائل نوین و بسیار پیچیده ای روبه رو ساخت. ح.ک.ا، نیز مطالبی استناد در تلاش برای تعیین شرایط جدید، اتحاد خط سیاسی بویا، کشش و شوای نو برای کار توده های، توجه و وضعیت تازه در مسائل اقتصادی و فرهنگی و کار فرهنگی و نقش تحول یافته اندیشه رانها برای گروهی در حدی کمونیست های ایتالیا انتظار را داشتند، موفق نبوده است. در نتیجه این امر هر چه در انتخاباتی که بلافاصله پس از مرگ ترانکو پائولی، رهبران حزب کمونیست های ایتالیا برگزار شد، برگزیده شد، آراء حزب به حسد سی سابقه ۲۳ درصد رسید، اما در دوره اخیر این

آر آن نسبت به دوره های قبل تراژدی که حدود ۳۰ تا ۳۱ درصد بود، شدکی تنزل کرد و اکنون در حدود ۲۷ تا ۲۸ درصد است.

هفدهمین کنگره ح.ک.ا در ۱۹۸۶ آغاز نخستین دور بحث های پایداری برای ریشیا بی مشکلات و بی جویی راه های نوین بود. اوضاع موجود از حزب، کشیابی حد اکثر و در عین حال حرکتی قاطع را طلب می کرد. پس از مرگ اریکو برلینگوتش و شکل گیری جبهه رهبری، کمیته مرکزی رفیع الساندرونا تا راجه نشینی او برگزید، اما او بهر با هیکن رشته دلایل، از جمله بیماری، پس از چندی از مقام خود کناره گرفت اما در جمع رهبری با قسسی ماند. مهم ترین حادثه پس از این کنگره، انتخاب رفیق آکیله و گنتو، رهبر ۵۰ ساله و دبیر کل کمیته مرکزی بود. در ۱۹۸۸ کمیته مرکزی سوسیالیستی همین پلنوم مؤدیر گزارشی کنگره ۱۸ در بیان ۸۹ با مضمون "کنگروه دگرگون سازی، برای اتحاد منشی نوین حزب"، تعیین شد.

۲- آلترنا تیو دمکراتیک، فرم م قدرتمند

مشئ نوین سیاسی ح.ک.ا، موبه کنگره هجدهم آن، "آلترنا تیو دمکراتیک" است. کمونیست های ایتالیا تا کنده رند: "در شرایط پیدایی پدیده های عظیم نوین در همه عرصه های زندگی اجتماعی، بر ما است که بر سر راه آلترنا تیو امروزی برای اطلاعات در شوای ادا ره کشور را آماده کنیم. اهمیت جدی دارنده شرایط و امکانات برای تحول در شرایط سیاسی، گسترش دمکراسی و حقوق شهروندان فراهم آوریم، برای تحقق این امر ضرورت است تا با همه نیروهای دمکراتیک بر سر مینا ای برنا به مشخص تحولات مترقی به توافق برسیم". بحث در درجه نخست بر سر سوسیالیست ها و دیگر جنبش ها و سازمان های دمکراتیک است. عنصر تازه در سیاست اتحاد های ح.ک.ا، برخورد جداگانه در توافق با کاتولیک است. "تلاش ما نه برای اتحاد با آنها، بلکه استگیری به سوی بخش ترقی خواهان است".

در گزارش دبیر کل حزب به کنگره آمده است: "تا آنجا که به ما مربوط می شود، عمیقاً خواستار همگاری وسیع تر با کلیسا و سازمان های کاتولیک پیرومون علائق مشترک، همگامی در جنبش منطقی همبستگی و مبارزه متحدانه علیه مسائل متعدد تلاش های وسیعی که برای از خود بیگانه نگین مردم کشورمان پیش می رود، هستیم". در رابطه با سوسیالیست ها در گزارش تاکید می شود: "تسیام سیاست های اخیر ما تا نظریه های هر چه گسترده تر، بقیه در صفحه ۱۵

حزب کمونیست ایتالیا، آزادی بدون هر گونه محدودیت برای بیان نقطه نظرهای مختلف در رسا نه های غیر حزبی و حزبی ضمن انجام کامل تصمیمات حزبی پذیرفته شده است. بر اساس این اصلاح تصریح شده که اعضا ضمن انجام تصمیمات از حق اعتراض نسبت به آنها و از آنها پیشبند نیستند. برخورد دارند. اما ایجا دفرا کمیسون به معنای حق ایجا تشکیل جداگانه در حزب، به دلیل لطمه آن به دمکراسی مورد پذیرش کنگره قرار نگرفت. نکته جالب بحث کنگره دربارۀ آراه کشیدن سیگار در جلسات حزبی بود. پس از حدود یک ساعت بحث، بالاخره اکثریت ضعیف، کشیدن سیگار در جلسات حزبی ممنوع شد.

حزب میهمان عموماً هیات های نمایندگی خود را در سطح عالی به کنگره اعزام شده بودند. از جمله هیات شوروی به رهبری پاکولف و هیات چینی به رهبری پینگ سوگ، از اعضای هیات سیاسی رای به کنگره اعزام کردند. در کنگره ایالات های نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین، از نمایندگان ساندنیست های نیکارا گونه، کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست نیلی، تجلیل های سسته و شو را تکبیه عمل آمد. در کنگره پیام های نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و حزب سوسیال دمکرات آلمان، پیام رفیق گاربا چف و پیام نمایندگین کنگره ملی آفریقا قرائت شد و عموماً مورد استقبال قرار گرفت.

در جایشه کنگره بین هیات های نمایندگی احزاب کشورهای مختلف دیدارهای آشنا بیسی و تبادل نظر و همگاری وسیعاً جریان یافت. هیات نمایندگی سازمان نیربارفلسطینی ایتالیا و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران و محکومیت جنایات رژیم و تقویت مناسبات و همکاری های، متقابل، دیدارهای متعدد به عمل آورد.

هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا روز ۴ فروردین در میان شور و احساسات فوق العاده نمایندگان و میهمانان به کار خود پایان داد. هیجدهمین کنگره کمونیست های ایتالیا بی قبل از همه قدرت حزب و روح اعتماد به نفس و اطمینان به آینده را به نمایش درآورده بود. □

بخشی از پیام ک.م. سازمان به کنگره حزب کمونیست ایتالیا

به مناسبت هیجدهمین کنگره ح.ک.ا

۱- موقعیت حزب در آستانه کنگره

در نخستین روزهای فروردین ماه امسال، هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا (ح.ک.ا)، بزرگ ترین حزب کمونیست جهان غیر سوسیالیستی برگزار شد. ح.ک.ا، حدود ۱/۵ میلیون کمونیست (یعنی یک سوم همه کمونیست های کشورهائیسوسیالیستی) را در صفوف خویش متحد کرده است. لکن اتوریته و ثبوت اجتماعی این حزب تنهائی از کمیته نیست، توجه و علاقه مندی به آن، قبل از همه به فعالیت سیاسی مؤثر آن در سطح ملی و بین المللی پتانسیل غنی معنوی و نواوری در عملی و بستگی دارد.

ح.ک.ا، که به مناسبت نیروی اپوزیوسیونی قدرتمند همواره در محاسبات اتحاد حزب حاکم مورد توجه بوده، نقش مهمی در تامین آزادی های دمکراتیک در ایتالیا ایفا کرده است. کمونیست های ایتالیا در ایتالیا کشور، در ایتالیا رها رها رهبری ایالات وشهرها گامی گنجد در سراسر ایتالیا کمیته های فعال حزبی دارند. در نتیجه، کنفدراسیون سراسری کار ایتالیا که بزرگ ترین سندیکای کارگری اروپای غربی است و بیست و پنج میلیون عضو دارد، راه دایمی می کند. در این کنفدراسیون حزب سوسیالیست ایتالیا نیز حضور دارد. حزب کمونیست های ایتالیا یگانگانه حزب کمونیست اروپای است که بخش عمده نهضت تعاونی کشور را سازمان می دهند.

تحوالات توانایی که در کشورهای رشد یافته سرمایه داری (از جمله ایتالیا) در سال های دهه ۸۰ رخ داد، کمونیست ها را با مسائل نوین و بسیار پیچیده ای روبه رو ساخت. ح.ک.ا، نیز مطالبی استناد در تلاش برای تعیین شرایط جدید، اتحاد خط سیاسی بویا، کشش و شوای نو برای کار توده های، توجه و وضعیت تازه در مسائل اقتصادی و فرهنگی و کار فرهنگی و نقش تحول یافته اندیشه رانها برای گروهی در حدی کمونیست های ایتالیا انتظار را داشتند، موفق نبوده است. در نتیجه این امر هر چه در انتخاباتی که بلافاصله پس از مرگ ترانکو پائولی، رهبران حزب کمونیست های ایتالیا برگزار شد، برگزیده شد، آراء حزب به حسد سی سابقه ۲۳ درصد رسید، اما در دوره اخیر این

حزب کمونیست ایتالیا، آزادی بدون هر گونه محدودیت برای بیان نقطه نظرهای مختلف در رسا نه های غیر حزبی و حزبی ضمن انجام کامل تصمیمات حزبی پذیرفته شده است. بر اساس این اصلاح تصریح شده که اعضا ضمن انجام تصمیمات از حق اعتراض نسبت به آنها و از آنها پیشبند نیستند. برخورد دارند. اما ایجا دفرا کمیسون به معنای حق ایجا تشکیل جداگانه در حزب، به دلیل لطمه آن به دمکراسی مورد پذیرش کنگره قرار نگرفت. نکته جالب بحث کنگره دربارۀ آراه کشیدن سیگار در جلسات حزبی بود. پس از حدود یک ساعت بحث، بالاخره اکثریت ضعیف، کشیدن سیگار در جلسات حزبی ممنوع شد.

حزب میهمان عموماً هیات های نمایندگی خود را در سطح عالی به کنگره اعزام شده بودند. از جمله هیات شوروی به رهبری پاکولف و هیات چینی به رهبری پینگ سوگ، از اعضای هیات سیاسی رای به کنگره اعزام کردند. در کنگره ایالات های نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین، از نمایندگان ساندنیست های نیکارا گونه، کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست نیلی، تجلیل های سسته و شو را تکبیه عمل آمد. در کنگره پیام های نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و حزب سوسیال دمکرات آلمان، پیام رفیق گاربا چف و پیام نمایندگین کنگره ملی آفریقا قرائت شد و عموماً مورد استقبال قرار گرفت.

در جایشه کنگره بین هیات های نمایندگی احزاب کشورهای مختلف دیدارهای آشنا بیسی و تبادل نظر و همگاری وسیعاً جریان یافت. هیات نمایندگی سازمان نیربارفلسطینی ایتالیا و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران و محکومیت جنایات رژیم و تقویت مناسبات و همکاری های، متقابل، دیدارهای متعدد به عمل آورد.

هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا روز ۴ فروردین در میان شور و احساسات فوق العاده نمایندگان و میهمانان به کار خود پایان داد. هیجدهمین کنگره کمونیست های ایتالیا بی قبل از همه قدرت حزب و روح اعتماد به نفس و اطمینان به آینده را به نمایش درآورده بود. □

نامی بپا کشوری است در جنوب غربی آفریقا که مساحت آن تص...
ایران و جمعیت آن کمتر از ۱/۵ میلیون نفر است که ۹۵ درصد آن ساکن در...

نامیبیا در راه دشوار استقلال

رسمی کشور مستقل نامی بپا خواهد بود.

قریب ۲۰ سال اعمال سرکوب بر مردم نامی بپا توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی...
و بیش از ۲ دهه مبارزه میهن پرستان نامی بپایی...

اول آوریل ۱۹۸۹ (دهم فروردین ۶۸) به عنوان روز بزرگی در تاریخ آفریقا ثبت خواهد شد...
در این روز جزایر زردودن آخرین لکه زشت استعمار ز...

آفریقا" و در سال ۱۹۷۳ از سوی سازمان ملل به رسمیت و تنها نماینده قانونی خلق نامی بپا شناخته شد...
سواپو در سال ۱۹۷۹ به عضویت جنبش...

ارشد کشورهای آفریقای جنوبی، آنگولا، کوبا، اتحاد شوروی و آمریکا، موافقت نامه تشریفاتی...

سیاست آفریقای جنوبی علیه مردم میهن پرستان و اشغال آفریقای جنوبی مناطق تحت قیمومیت سازمان ملل متحد طی دهه های ۶۰، ۷۰...

شکست توپخانه اشغال جلال آباد

انگن بیش از پنج هفته است که جنگ خونین جلال آباد ادامه دارد. دخالت رژیم پاکستان در این جنگ با دستگیری و اعتراض فدویان...

مالزی و ایران نیز با مشارکت سازمان ملل برای قطع جنگ تحمیل شده به افغانستان، مخالفت ورزیدند و آنرا کمک به جمهوری افغانستان...

آشتی ملی به تلاش برای تفریق هم نشانی با گروههای مخالف ادامه می دهد. اما در عین حال قاطعانه در برابر برتری نظامی و نقشه های جنگ...

دولت اشتلافی وابسته به آن و سپس شنا سیاسی کامل آن محسوب می شده است. در اجرای چنین نقشه ها و ادعای است که راه حل سیاسی از سوی...

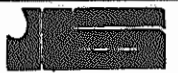
دولت اشتلافی وابسته به آن و سپس شنا سیاسی کامل آن محسوب می شده است. در اجرای چنین نقشه ها و ادعای است که راه حل سیاسی از سوی...

دیدار سران شوروی و بریتانیای

جندی بیش میخائیل گابریلوف و رگسارت تاجر، رهبران اتحاد شوروی و انگلستان در لندن دیدار کردند.

سال گذشته بوده است. بدیهی است که روابط دو کشور، همانگونه که میخائیل گابریلوف و رگسارت تاجر، رهبران اتحاد شوروی و انگلستان در لندن دیدار کردند.

است. او برای نخستین بار با رهبران شوروی در سخنان خود مطرح کرد. تغییراتی را که در جهت کاهش ابعاد گوناگون آن پیش بینی شده است برشمرد.



به یاد رفیق فدایی شهید کیانی

علی رضا کیانی ، مهندس در رشته پتروشیمی بود . او در زندان شاه ، پس از گذاردن قهرمانی از معسرت کشنده اسباب و امکانات خود ، زندیک آشنا شد . در سال های پس از انقلاب ، علی رضا در پالایشگاه تهران از زنجیرکاری مینا رزی بود که هم خود را در راستای سیاست سازمانش ، به کار در میان کارگران و کارکنان معطوف کرده بود . او در سال ۱۳۴۰ توسط جانین اسلام پناه حاکم پسر ایران بازداشت شده به زیر شکنجه رفت . ماهها در بند معروف ۳۰۰۰ (با زدا) شگاه کمیته مشترک دوره شاه ، تحت شرایط فوق وحشیانه به سر بردن نوشته انتقال به روانی رسید .

رضا روزهای حسی و با متانت ، اعتماد و تسلط بر خویش ، سرزندگی و ایمان و اطمینان به آینده می گذرانید ، با دیگران جدی ، خوش برخورد ، با گذشت و آکنده از صمیمیتی اطمینان بخش بود . او در زندان اهمیت انطباق سریع با شرایط و ایجاد محیط زندگی در هر وجهی را به خوبی می دانست و به کار می بست . او هر روز ۲۰ دقیقه هواخوری و این راهها را رفیق رضی و چندتن دیگری دویدند و ترمش می کردند . گریه های زمان کوتاهی ۲۰ دقیقه هواخوری مشترکی حوصله اش را داشت . اما آنها این سختی و زندانبانان سیاسی را مثل بسک و وظیفه های بی داندند .

اندکی از یک ما گذشته بود که دو باره ما را نکل مکان دادند و علی رضا را دیگر نبردیم . تا ...

آمد؟ بجعلیایی به دست آمد . چند روز از زید ۶۱ گذشته در اطاق ۵ طبقه بالای بنسبه دو اولین که با زید ، همراه چندتن دیگر با به درون گذاشت . گروه تازه انتقالی از کمیته ... بود . تازه واردها میان سکوت و در برابر کنکای پنهان نگاه همه ساکنان به حاشیاهای نزدیک تریسه در اطاق رفتند ، نشنیدند ، نگاهیان که رفت ، استفهام نگاهها به تدریج به کلام بدل شد و گفتگوهای احتیاط آمیز و در حد معقول شروع شد .

او در گوشه ای کتا ردیوار در میان دو سه تن از تازه واردها نشسته بود . به حکم تحریک انگار او را نمی شناختم . با دیده زمان مهلت گذرمی دادم تا فاصله ناگزیر را با او کم کنم و آن وقت سخن با بدر امتداد خوش و پر معنای تلاقی گذرا و به ظاهر اشتقاقی نگاهها جاری می شد . با لحنی آرام به سؤال های کاگها پاسخ می داد . موهومیهای جوکجهایی میل به سفیدی یافته بود .

"رضا ، سالها چه زود می گذرنه؟"

ببخندم لایم گونه های شیر را بر چسبی اندکی داد و نگاهم از زدی کوتاهی خیره ماند و لابد که زال هس و تجربه ها و تلاقیهای هدمندش یاد می آورد . سالهای کودکی ، نوجوانی ، سالهایی که چشمم به سر تلخی زندگی مردم زحمتکش میهنش گشوده می شد و میل به آمیختن با آنان ، احساسات او را رنگی مردمی می بخشید و سیمایی دوست داشتی سبزه او می داد . سال های عشق پر شور به زهره همسفر آینده اش ، سال های تحصیل دردناک و به سردر انگلستان ، سال های جدال با رژیم شاه ، دستگیری زندان ، شکنجه بی با او ، آزادی در روزهای بر شکوه قیام بوده ها . میاز روز در صوف سازهان و بازداشت ، بازداشت کاوشکننده ، و این با توسط حکما جهل و چنانیت ...

رفیق سرور (سهیلا) درویش که در سال ۱۳۴۰ در خانه های کارگری در محله نظام آباد تهران به دنیا آمد . پدرش کارگری آگاه بود و سهیل نخستین درسیهای زندگی و عشق به آزادی و عدالت و نفرت از ستم و پیداد را از او آموخت . او هنوز توجیه خود داشت آموزی بود که با عطف و شعورش با مسائل زمان فدائیان آمیخته شد و آنگاه که طرفان های انقلابی سال ۵۷ بر خاست ، همچون میلیون ها همسالانش خویش با شور و شوقی توفنده در انقلاب رزمید . در دبیرستانی که در آن درس می خواند ، دانش آموزان پیشگاه ما را سازمان داد . او یکی از فعالترین پیشگان ما در دبیرستان ۱۷ شهریور تهران بود .

رفیق سهیلا درویش که آنگاه که دوره دبیرستان پایان یافت ، در تلاش معیاش ، در کارخانه هوست تهران مشغول به کار شد .

رفیق سهیلا در سال های پس از ضربه رژیم

☆☆☆☆☆☆

به یاد رفیق شهید سهیلا درویش

به زمان ، با تمام توان و امکان وظایفی را که از سوی سازمانش بر دوش او انجا دهی شد انجام داد . سهیلا در مرداد ۶۵ به اسارت جلادان جمهوری اسلامی درآمد و پس از تحمل شکنجه و مقاومت قهرمانانه به دو سال زندان محکوم شد . در اسارتگاه روحیه ای عالی داشت و همزنجیران را خوانده اش را به امید و علو روح فرامی خواند . او یکی از سازماندهندگان و اعصاب غذاها را به شرایط زندانبانان بود .

هر چند در مرداد ۶۷ دوره حکومت رفیفسق سهیلا درویش که پایان یافت و لسی او را آزاد

شعارها و فراخوانهای روز کارگر

- « کارگران مبارز! پرچم مبارزه در راه حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی را به دست گیرید . علیه ترور و اختناق ، علیه شکنجه و اسام اعتراض کنید . برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور و برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید .
- « برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ نه صلح" و برقراری صلح باید مبارزه کنید .
- « برای تأمین آزادی های سندیکایی ، برای برخورداری از حق تشکیل ، حق انتخاب آزادانه نمایندگان واقعی خود ، حق برخورداری از تجمع ، اعتصاب ، انتشار نشریات کارگری و دیگر آزادی های سندیکایی مبارزه کنید .
- « در "قانون کار اسلامی" مصوب مجلس ، اساسی ترین حقوق کارگران از جمله حق امنیت شغلی ، حق برخورداری از شکل صنفی مستقل و حق اعتصاب کارگران یا اعمال شده است . قانون کار با بدینا مشارکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود . قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد .
- « "قانون شوراها" اسلامی کار" ناقض حق کارگران در ایجاد شکل صنفی مستقل است برای لغو این "قانون" و ایجاد شکل های صنفی واقعی خود مبارزه کنید .
- « کارگران پیشرو و آگاه! برای آزادی خود ، استقلال صنفی کارگران در شرایط اختناق موجود ، هسته های مخفی کارگری را ایجاد کنید ، از همه امکانات علنی برای گسترش این مبارزه استفا ده کنید .

به پیش! و از یاد تبریم همبستگی را

- « انجمن اسلامی منحل باید گردد .
- « ماده ۲۷ "قانون کار اسلامی" همانند ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاه ، دست کارفرما را برای اخراج کارگر کاملاً زگذاشته است . برای لغو این ماده و پایان دادن به اخراج های خودسازانه متشکل شوید و مبارزه کنید .
- « کارگران شاغل و بیکار! برای تأمین حق بیمه شرایط مناسب برای همه زحمتکشان ، مبارزه تان را هماهنگ کنید .
- « دستمزدها کارگران به هیچ وجه با افزایش سرمایه و بهره زینده زندگی متناسب نیست . برای افزایش دستمزدها و جرایم یک طرح مترقی برای طبقه بندی مشاغل مبارزه کنید .
- « خواستار افزایش سهمیه تعاونی های مصرف کارگری شوید . دولت باید از طریق اتحادیه امکان احتیاس مورد نیازتان را به تعاونی های کارگری تحویل دهد .
- « از طریق تعاونی های مسکن کارگری ، خواهان ایجاد مسکن مناسب و ارزان قیمت ، تأمین زمین ، وام و مصالح ساختمانی از دولت شوید . تا هنگام تأمین مسکن ، کارگران باید از حق هزینه مسکن مناسب برخورداری باشند .
- « اردیبهشت ، روز کارگر باید به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور تشیست شود . برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه حق همه کارگران و زحمتکشان است .
- « کارگران و زحمتکشان ایران ، متحد شوید ، در راه سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی مبارزه کنید .
- « فرخنده باد اول ماه مه ، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان .

بخشی از "سرود همبستگی" (برشولت برشت)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!